

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه‌ای آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ظرفیت‌های صنایع زهره پاکدل^۱، کلثوم نامی^۲، محمود صباحی زاده^۳

چکیده:

هدف: مطالعه حاضر باهدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه‌ای آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ظرفیت‌های صنایع شهر بندرعباس انجام گرفت.

روش: این مطالعه به صورت کیفی با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون به ارائه مدل پرداخت. جامعه‌ی آماری شامل ۶ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه در رشته مدیریت آموزشی، ۱۴ نفر نیز خبرگان و متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت فنی حرفه‌ای (روسا، متخصصان، مدرسان و پژوهشگران) و صنایع بودند. پس از انجام ۲۰ مصاحبه، کدها به حد اشباع نظری رسیدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته با خبرگان بود که الگوی استخراجی با استفاده از دو شاخص تناسب و کاربردی بودن که یکی از روش‌های ارزیابی اعتبار کیفی است و همچنین نظر دهی در مورد پایه‌های تجربی پژوهش به تأیید رسید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد مدل ارائه شده دارای ۹ مضمون فراگیر (بررسی بازار هدف؛ نحوه جذب مشتری؛ تعیین هدف و برنامه‌ریزی؛ ارزیابی و کنترل؛ توجه به تجربه و تخصص؛ آموزش؛ ظرفیت و توسعه و زیرساخت؛ قوانین و برنامه‌ریزی؛ نیروی انسانی متخصص) و ۱۸ مضمون سازمان دهنده (۱. جمع‌آوری اطلاعات ۲. برنامه‌ریزی پرسنل ۳. ارزیابی ۴. دسته‌بندی اطلاعات ۵. تجربه ۶. توسعه و زیرساخت ۷. مطلوبیت و توانمندی آموزشی ۸. کنترل ۹. ترغیب و توافق ۱۰. برنامه‌ریزی جذب و گسترش ۱۱. برنامه‌ریزی توسعه ۱۲. شایستگی ۱۳. ظرفیت ۱۴. قوانین ۱۵. توانایی ۱۶. نیازهای آموزشی ۱۷. تخصص ۱۸. مذاکره) بر اساس ۵۶ مضمون پایه بود.

نتیجه‌گیری: آموزش فنی و حرفه‌ای زمانی به شکلی اثربخش توسعه پیدا می‌کند که از ظرفیت‌ها صنایع شهری بخوبی بهره برداری کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش، فنی و حرفه‌ای، بازار کار، ظرفیت‌های صنایع.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۹/۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۲۴

^۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. adl@mailfa.com

^۲- گروه علوم تربیتی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول). knami88@gmail.com

^۳- گروه علوم تربیتی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. sabahzadeh@gmail.com

مقدمه

از آنجاکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب‌وکار آماده می‌کنند و یا کارایی و توانایی او را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهند، لکن عدم وجود پل‌های ارتباطی بین مراکز آموزشی و مراکز صنعتی جامعه باعث می‌شود که مراکز آموزشی به تربیت نیروهایی بپردازد که چندان موردنیاز بخش‌های تولیدی جامعه نباشد؛ و رشد اقتصادی ظرفیت بالقوه و بالفعل اقتصاد کشور در جذب نیروی انسانی بالقوه موجود در بازار کار کشور است. به‌عبارت‌دیگر آموزش و کسب‌وکار از دیدگاه مثبت‌هنگامی پدیدار می‌شود که ساختار اقتصادی کشور توان جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص را در زمینه‌های گوناگون و مختلف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فراهم آورد؛ اما آنچه ارتباط میان سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و رشد اقتصادی را برقرار می‌نماید مناسب با آموزش نیروی انسانی است شایان‌ذکر است نظام آموزشی مهارتی یکی از عمده‌ترین منابع آموزشی و تأمین نیروی انسانی برای فعالیت‌های بخش صنایع است (مقصودی، ۲۰۱۴). یکی از مسئولیت‌های مهم و کلیدی نظام آموزشی در هر کشوری آماده کردن جوانان برای بازار کار می‌باشد (فوستر و بول^۱، ۲۰۱۸). به همین علت، یکی از مواردی که به‌شدت موردتوجه برنامه ریزان قرار گرفته است تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و استفاده بهینه از آن می‌باشد (خواجه شکوهی و همکاران، ۲۰۱۲).

از طرفی پایین بودن سطح آموزش و مهارت‌ها، طرفداران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های کلاسیک را به‌نوعی به‌تقابل کشانده است. انتظارات بازار کار از نیروی ماهر و باتجربه و سرعت تغییرات فناوری و به‌تبع آن تشدید ضرورت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب آموزش‌های حین کار هم به میزان زیادی به این مقابله‌ها دامن زده است، به‌طوری‌که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه (به‌خصوص کشورهای آسیایی) انتخاب کردن بین آموزش‌های عمومی و آموزش‌های حرفه‌ای یک تصمیم سخت و دشوار قلمداد می‌شود (سلیمی، ۲۰۱۴).

از آنجاکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب‌وکار آماده می‌کنند و یا کارایی و توانایی او را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهند و یکی از جنبه‌های مثبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دوره‌های کارآموزی، تحرک اجتماعی جوانان و

1- Foster and Bull

کاهش بیکاری آنان است (اندرسون^۱، ۲۰۱۸). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب‌وکار آماده می‌کنند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهند (خالدی و رفعتی، ۲۰۱۹). لکن عدم وجود پل‌های ارتباطی بین مراکز آموزشی و مراکز صنعتی جامعه باعث می‌شود که مراکز آموزشی به تربیت نیروهایی بپردازد که چندان موردنیاز بخش‌های تولیدی جامعه نباشد. رشد اقتصادی ظرفیت بالقوه و بالفعل اقتصاد کشور در جذب نیروی انسانی بالقوه موجود در بازار کار کشور است. به‌عبارت‌دیگر آموزش و کسب‌وکار از دیدگاه مثبت‌هنگامی پدیدار می‌شود که ساختار اقتصادی کشور توان جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص را در زمینه‌های گوناگون و مختلف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فراهم آورد؛ اما آنچه ارتباط میان سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و رشد اقتصادی را برقرار می‌نماید مناسب با آموزش نیروی انسانی است شایان‌ذکر است نظام آموزشی مهارتی یکی از عمده‌ترین منابع آموزشی و تأمین نیروی انسانی برای فعالیت‌های بخش صنایع است.

توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شرایط کنونی برای اقتصاد و فرهنگ ایران و به‌ویژه شتاب‌دهی به فرایند تولید امری حیاتی است؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات و به‌طور کلی سرمایه فیزیکی بدون سرمایه انسانی بلااستفاده مانده و یا به نحو اقتصادی و کارآمد مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین از ضرورت‌ها و الزامات رشد و توسعه اقتصادی، نظام آموزش برای ایجاد مهارت‌های لازم سرمایه انسانی است و در این میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تلفیقی است از علم، فن و هنر و نقش بسیار مهمی در تأمین نیروی انسانی کارآمد ایفا نموده و مضمونی توسعه‌ای دارد. هدف از این آموزش‌ها، افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده وظایف شغلی است (حاجی علی‌اکبری، ۲۰۲۰).

همان‌گونه که اشاره گردید ازجمله عوامل مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی، افزایش سطح مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیروی کار است. آموزش فنی و حرفه‌ای در واقع پلی است میان آموزش و بازار کار و در واقع، یکی از اساسی‌ترین کاربردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انتقال و ارتقای دانش، فناوری، ایجاد مشاغل و ایجاد مهارت و توانایی افراد به‌منظور تصدی مشاغل و رفع نیاز به

1- Anderson

هنگام بازار کار است (صالحی عمران و قاسم‌زاده، ۲۰۱۹). تقویت چنین ارتباطی بین آموزش و دنیای کار از طریق افزایش آگاهی و مهارت‌های لازم در طول دوره‌های فنی و حرفه‌ای امکان‌پذیر است. این آموزش‌ها نقش‌هایی چون: کمک به کاهش فقر، افزایش امنیت غذایی، ارتقاء انسجام اجتماعی، ارتقاء مهارت و توانایی و ظرفیت‌های فنی و بین فردی افراد، بهبود ارتباط بین آموزش و دنیای کار را به دنبال خواهد داشت (یونسکو، ۱۹۹۹؛ به نقل از باقری خلیلی، میر کمالی، ۲۰۰۵). این عوامل سبب شده است که در کشور ما آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب‌های آموزش‌های رسمی (هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش وابسته به وزارت آموزش و پرورش) و غیررسمی (مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی) مورد توجه قرار گیرد و از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار گردد؛ بنابراین با توجه به گرانی هزینه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و برای جلوگیری از خسارت‌های مادی و معنوی لازم است که چگونگی رابطه این گونه آموزش‌ها و اشتغال افراد مهارت دیده مورد بررسی قرار گیرد.

بیشتر کشورهای جهان برای تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند (احمدی و آتشک، ۱۳۹۴). اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان ابزار مهمی برای تربیت و افزایش کارایی و بهره‌وری نیروهای انسانی به‌منظور زمینه‌سازی اصلاحات و توسعه اقتصادی، می‌تواند از اولویت‌های اصلی نظام آموزشی کشور باشد. در نتیجه افزایش کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کند. لذا جهت دستیابی به آثار و پیامدهای مثبت توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در بازار کار و ظرفیت‌های منطقه و شناسایی موانع و مشکلات موجود در ترویج و توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در بازار کار و ارائه راهکارهای عملی برای برطرف کردن موانع و مشکلات موجود در این زمینه، ضرورت انجام تحقیقات و پژوهش‌های گسترده توسط محققان و اندیشمندان امر بسیار احساس می‌شود.

همچنین با نگاهی به مطالعات گذشته در داخل کشور پژوهشی تحت عنوان شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه‌ای آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ظرفیت‌های صنایع صورت نگرفته است. اگرچه پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌های همچون، رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان ارزیابی مدل مدیریت استراتژیک در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آیتی و فتحی (۱۳۹۳)

در پژوهش خود با عنوان بررسی ارتباط برنامه درسی (مهارت‌های عمومی) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار و بهار تل (۲۰۲۱) در پژوهش خود تحت عنوان آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش در توسعه نیروی کار و چند مورد دیگر انجام شده است ولی تاکنون پژوهش اختصاصی در زمینه بررسی و ارائه مدلی جهت توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار و ظرفیت‌های منطقه (مطالعه موردی: صنایع بندرعباس) انجام نشده است.

بنابر تعریف یونسکو، آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر دانش عمومی تمام اشکال و سطوح فرایند آموزشی، شامل مطالعه فناوری و علوم مربوط به آن، کسب مهارت‌های عملی، توانایی و نگرش را در برمی‌گیرد و مسائل مرتبط با اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی زندگی بر عهده دارد. بنابراین همان‌طور که در این تعریف نیز ملاحظه می‌شود آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح گسترده‌ای تربیت نیروی انسانی را بر عهده دارد و محدود به آموزش‌های رسمی نمی‌شود بلکه آموزش مداوم و مادام‌العمر است. مفهوم مادام‌العمر بودن به معنای این است که آموزش فنی و حرفه‌ای یا به عبارت دیگر تربیت حرفه‌ای باید از آغاز مدرسه تا پایان دبیرستان و پس از آن تا پایان عمر ادامه یابد. به بیان دیگر، آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک آموزش عام فقط به دوره خاصی از گذر تحصیلی و برای بخش معینی از دانش‌آموزان اختصاص ندارد، بلکه باید همه دانش‌آموزان را در همه دوران تحصیل در برگیرد و همه دانش‌آموزان باید آمادگی لازم را برای حضور در محیط کار پس از پایان تحصیلات خود به دست آورند، زیرا سرنوشت همه کودکان، نوجوانان و جوانان در گذر تحصیلی و در هر ایستگاهی که از قطار تحصیلی پیاده شوند به دنیای کار ختم می‌شود و هر فردی باید دارای شغلی شود تا بتواند بار زندگی را بر دوش بکشد و نقشی در حرکت اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا کند. روشن است که یکی از جنبه‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی در تمام جوامع بشری کار است. کار از یک طرف منبع درآمد فردی برای تأمین زندگی و عامل اساسی حل مشکلات و تأمین نیازهای اجتماعی است و از طرف دیگر اسباب تعالی روحی و عزت‌نفس، تعامل اجتماعی و بالا بردن توان فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است و بالأخره دمیدن روح ملی در افراد را فراهم می‌آورد (امین بیدختی و همکاران، ۲۰۱۸).

آموزش فنی و حرفه‌ای باید بتواند با تعامل با دنیای کار و ارباب صنعت و تولید و مشارکت آنان در فرایند آموزش از یک طرف امکانات و شرایط لازم را متناسب با تحولات فناوری روز و تغییر

مهارت‌ها و مشاغل فراهم سازد و از طرف دیگر با درک نیازهای دنیای کار پاسخ گوی نیازهای در حال تغییر آنان باشد. برای توانمند ساختن آموزش دیدگان باید دانش نظری با کار عملی درهم آمیخته شود تا شرایط لازم برای آموختن مهارت‌ها و تربیت حرفه‌ای دانش‌آموختگان فراهم شود (موهبتی، ۲۰۱۹).

آموزش فنی و حرفه‌ای از نقش و تأثیرگذاری اقتصادی مهمی برخوردار است، زیرا معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقای دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های موردنیاز کارکنان در زمینه‌های مختلف به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. نقش و جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای در این عرصه زمانی می‌تواند روشن گردد که بدانیم پیش‌بینی‌ها و برآوردهای علمی تغییرات و پیشرفت‌های سریعی را در حوزه تکنولوژی و به تبع آن در کارکرد نهادهای اقتصادی جامعه ترسیم می‌کنند. لذا از آنجایی که آموزش فنی و حرفه‌ای افراد را با مهارت‌های تکنیکی و علمی مناسب تربیت و آماده می‌کند، یکی از عناصر کلیدی در پیوند بین دانش علمی و کاربردهای آن برای تحقق پیشرفت‌های اقتصادی محسوب می‌شود (پوسیوا، ۲۰۱۴).

بنابراین، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی فنی و حرفه‌ای، از دو طریق به گونه کارآمد در بازسازی و توسعه‌ی موفقیت‌آمیز اقتصادی در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته مشارکت کرده‌اند. اول، تربیت نیروی انسانی از نظر علمی و فنی به تعداد لازم، دوم، ایجاد محیط و شرایط تحقیق و توسعه که پایداری را توسعه صنعتی امکان‌پذیر می‌سازد. به هر حال، ساختار اقتصادی جوامع آن‌چنان در حال تغییر است که مهارت‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های جدید را افزایش می‌دهد؛ بنابراین بسیار مهم به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران ارشد تحولات و تغییرات اقتصادی و صنعتی را درک و روشن کنند که چگونه می‌توان این نظام آموزش عالی را با شرایط نوین تطبیق داد. توجه به این امر تا حد زیادی در کاهش نگرانی‌ها در مورد بیکاری وسیع فارغ‌التحصیلان مؤثر است. به همین دلیل به‌منظور پاسخگویی به تقاضای بازار کار برای نیروی کار ماهر و کارآمد،

همه کشورها توجه خاصی را به مقوله آموزش فنی و حرفه‌ای معطوف داشته‌اند (وسلا و کلیمووا^۱، ۲۰۱۴).

ذکر این نکته لازم است که بررسی نقش اقتصادی نظام آموزشی به‌طور عام و نظام آموزش عالی فنی و حرفه‌ای به‌طور ویژه و تأیید بر تحکیم ارتباط این نظام با بنگاه‌های اقتصادی خالی از مخاطره نیست و همواره لبه تیز انتقاداتی را به خود معطوف ساخته است، زیرا حداقل برای تعدادی از دانشگاهیان تأیید بر این امر به‌منزله نوعی ضدیت با عقل‌گرایی تلقی می‌شود که در راستای حذف آزادی علمی است و باهدف معطوف و محدود کردن آموزش عالی به آموزش دانشجویان و آماده ساختن آنان صرفاً برای فرصت‌های شغلی صورت می‌گیرد، در صورتی که آموزش عالی از نظر آنان فقط باید برای شکوفایی عقول دانش‌آموختگان تلاش کند؛ اما از آنجاکه جهان به‌سرعت در حال تغییر است و تغییرات نیز به‌سرعت ادامه می‌یابد و از آنجاکه آموزش عالی فنی و حرفه‌ای درصدد ایفای نقش اساسی‌تری در هماهنگ‌کردن، تسهیل و هدایت این تغییرات است تا مقاومت و مقابله با آن‌ها، لذا تشویق رابطه نزدیک‌تر بین نظام اقتصادی و مراکز آموزش عالی فنی و حرفه‌ای از نظر توجه به نیازهای انسانی نباید به‌منزله انحراف این نظام از ادای دیگر رسالت‌ها و مسئولیت‌های آن در نظر گرفته شود. مضافاً اینکه تحکیم این ارتباط نباید مخالفت با فعالیت‌های علمی تلقی شود، زیرا پژوهشگرانی که در آزمایشگاه‌ها و لابراتورهای بخش‌های مختلف صنعتی مشغول فعالیت‌های پژوهشی هستند و در تولید دانش نیز سهم چشمگیری دارند، به فعالیت علمی مشغول‌اند (سلیمی، ۲۰۱۴).

علاوه بر این و بر اساس نگرش سیستمی در تحلیل روابط بین نهادهای اجتماعی، تغییر در کارکرد یک‌نهاد مهم اقتصادی مثل بخش صنعت و تجارت، تغییر در کارکرد سایر نهادها را به دنبال دارد. از این‌رو ماهیت کار، محیط کار و سازمان‌ها هرگز مثل گذشته و حال نخواهند شد، لذا آنچه ما امروز یاد می‌گیریم، ممکن است فردا دیگر اعتبار نداشته باشد. مشاغل و حرف ناپدید می‌شوند، همان‌گونه که محصولات و خدمات جدید به سبب نوآوری‌ها ایجاد و جایگزین می‌شوند؛ بنابراین، در پاسخ به این سؤال که نظام آموزش عالی فنی و حرفه‌ای چگونه دانشجویان را برای زندگی و کار در این دنیای بسیار متغیر آماده سازد، شاید بتوان گفت که اطلاع روزآمد

1- Veselá and Klimová

برنامه ریزان آموزشی از کم و کیف تحولات سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی در تناسب هر چه بیشتر این آماده‌سازی و فراهم کردن تمهیدات لازم برای انطباق بازده این نظام با آن بسیار تأثیرگذار است (مخت بادی و همکاران، ۲۰۱۶).

بهارتل^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود تحت عنوان آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش در توسعه نیروی کار نشان دادند آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان کلید توسعه مهارت ثابت شده است. با تمرکز بر مشاغل خاص، به افراد این امکان را می‌دهد که مشاغل مرتبط با مهارت را پیدا کنند یا شغل خود را شروع کنند. آموزش فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در رشد اقتصادی یک کشور از طریق توسعه نیروی کار و افزایش نرخ اشتغال دارد. از یک‌سو، نقش آموزش فنی و حرفه‌ای در ایجاد اشتغال در بازار کار است، درحالی‌که از سوی دیگر، آموزش فنی و حرفه‌ای برای ارتقای خوداشتغالی درجایی که فرصت‌های شغلی ترسناک است و افراد در بخش غیررسمی یا کشاورزی ثبت‌نام می‌کنند، مهم‌تر تلقی می‌شود. بالاسوریا و کولاتونگا^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان مطالعه‌ای برای شناسایی راه‌های تقویت مشارکت صنعت به سمت آموزش فنی - زمینه سریلانکا به این نتیجه رسیدند که صنعت باید مهارت‌های معاصر را با آموزش و ایجاد شبکه‌هایی با مؤسسات DTET برای به حداقل رساندن شکاف‌ها فراهم کند. نویسندگان مقاله بر این باورند که همکاری، ابزار مهمی است که می‌تواند بزرگرایی برای پر کردن شکاف و افزایش مهارت‌های استخدامی DTET در سریلانکا باشد. اویاوه و همکاران^۳ (۲۰۲۰) مطالعه‌ای تحت عنوان پر کردن شکاف مهارتی برای برآورده کردن آموزش فنی، حرفه‌ای و آموزش همکاری مدرسه و محل کار در قرن ۲۱ انجام دادند. این مقاله بهترین شیوه‌ها را در همکاری مدرسه و محل کار آموزش فنی و حرفه‌ای موردبررسی قرار می‌دهد: مفهوم آموزش محل کار در آموزش فنی و حرفه‌ای، مفهوم همکاری محل کار و مدرسه، نیاز به همکاری محل کار و مدرسه در آموزش فنی و حرفه‌ای، بهترین شیوه‌ها برای همکاری محل کار و مدرسه را موردبحث قرار می‌دهد. جوهانگا و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان برنامه‌های مشارکتی و پیوندی بین مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای و صنعت. موردی از مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای در منطقه ریفت شمالی، کنیا انجام دادند. این

1-BhurteI

2- Balasooriya & Kulathunga

3- Oviawe et.al.

4- Jahonga et.al.

پژوهش با طرح توصیفی پیمایشی انجام شد. از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده متناسب طبقه‌ای برای انتخاب نمونه‌ای از ۲۴۵ پاسخ‌دهنده استفاده شد که شامل ۳۰ مدرس، ۳ افسر رابط صنعتی، ۵ سرپرست محل کار و ۲۰۷ دانشجوی آموزش فنی و حرفه‌ای بود. ابزار تحقیق برای گردآوری داده‌ها عبارت بودند از؛ پرسشنامه ساختاریافته و برنامه مصاحبه داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین بود. داده‌ها به صورت نمودار دایره‌ای، نمودار میله‌ای و جداول ارائه شد. این مطالعه توصیه می‌کند که مؤسسات آموزشی باید پیوند مؤسسه و صنعت را برای اطمینان از آموزش باکیفیت تقویت کنند.

عطارنیا و همکاران (۲۰۲۱) پژوهش با عنوان ارزیابی نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ‌التحصیلان رشته‌های دایر در آموزش فنی و حرفه‌ای استان قم انجام دادند. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارشناسان و معاونین سازمان فنی و حرفه‌ای قم بوده‌اند که حجم آن ۳۰ نفر تعیین شده است. جهت تعیین حجم نمونه بر اساس جدول مورگان تعداد ۲۸ نفر به عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. به منظور ارزیابی روایی پرسشنامه توسط روایی ظاهری، محتوا (روش لاوشه) سنجش گردیده است. نتایج نشان داد که رتبه‌بندی نیازهای آموزشی بازار کار نسبت به فارغ‌التحصیلان رشته‌های دایر در آموزش فنی و حرفه‌ای استان قم به ترتیب: هم‌راستایی آموزش‌ها، معیارهای ویژگی‌های زمینه‌ای، راهبردها و معیار شرایط محیطی بوده است. انصاری و قاسم‌زاده (۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان مدل پارادایمی ارتباط بین بازار کار و آموزش فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، مدیران و صاحبان صنایع استان آذربایجان غربی با طبقه‌بندی مفاهیم و با استفاده از روش کدگذاری محوری مقوله‌های شکل‌دهنده‌ی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار و روابط بین آن‌ها در قالب مدل پارادایمی ظهور یافت که شامل ۸ مؤلفه و ۷۰ شاخص شناسایی و مورد تأیید نهایی خبرگان قرار گرفت. مؤلفه‌های اصلی شامل شرایط علی (۱- فناوری و تکنولوژی ۲- منابع انسانی)، شرایط مداخله‌گر (۳- مهارت‌آموزی) پدیده محوری (۴- نگرش کارآفرینی)، شرایط زمینه‌ای (۵- آموزش شغلی)، تعاملات (۶- رفتارهای کارآفرینانه ۷- قابلیت و فرصت‌های شغلی بازار کار) پیامد (۸- مسیر شغلی در بازار کار) شناسایی گردیدند. سیف الهی و بیگی (۲۰۲۰) پژوهش با عنوان توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیاز بازار کار و ظرفیت‌های منطقه‌ای (مورد مطالعه:

تدوین استانداردهای مرتبط با حرفه زنیورداری، کرم ابریشم و حشرات مفید مطابق با دستورالعمل دیکوم اصلاح‌شده) انجام دادند. روش تحقیق بکار رفته بر اساس روش داده بنیاد بود. با استفاده از روش داده بنیاد در شش گام داده‌های موردنیاز گردآوری شد. نتایج نشان داد با استفاده از راهبردهای نیازسنجی، مشارکت ذینفعان، آموزش مربیان، آینده‌پژوهی شغلی و برنامه‌ریزی، آشنایی کارآموزان با بازار کار و مشاوره و هدایت شغلی، می‌توان تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار را محقق کرد. عباس‌زاده و همکاران (۲۰۱۷) پژوهش با عنوان تناسب آموزش‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی صنایع کوچک شهر اهواز انجام دادند. روش پژوهش، روش آمیخته (کمی-کیفی) از نوع اکتشافی بود که از روش تحلیل محتوا و تحلیل اسناد در بخش کیفی و از روش پیمایشی در بخش کمی استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی، ۱۰ نفر از مدیران و کارشناسان شهرک‌های صنعتی شهرستان اهواز بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با شیوه‌ی انتخاب موارد مطلوب، انتخاب گردیدند و با آنان مصاحبه‌ی نیمه ساختمند صورت گرفت. مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین آموزش‌های هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی صنایع کوچک شهرستان اهواز انطباقی وجود ندارد. در نهایت نیازهای آموزشی ده صنعت کوچک شناسایی شد.

در تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار و متناسب با موقعیت منطقه عوامل زیادی نقش دارند. نیازسنجی، ارتباط با صنعت، کیفیت آموزش‌ها، تأمین و تخصیص منابع مالی، مدرسان و ویژگی‌های آن‌ها، برنامه‌های درسی، ساختار سازمانی، قوانین و مقررات از جمله عوامل شناسایی شده‌اند. این عوامل به لحاظ پژوهشی دارای اعتبار هستند، ولی چند نکته را باید مورد توجه قرار داد: اول اینکه هر تحقیق از روش‌شناسی‌های متفاوتی بهره گرفته است؛ دوم اینکه موقعیت‌ها و جوامع هدف این تحقیقات متفاوت بوده‌اند؛ نکته دیگر اینکه عوامل شناسایی شده بسیار پراکنده و به اقتضایات زمانی، مکانی و موقعیتی وابسته بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که اعتبار این عوامل مستقل از زمینه نبوده است و این مبین وجود شکاف اصلی در ادبیات موجود است. این نکته، کاربردپذیری نتایج تحقیقات را در موقعیت‌های متفاوت از زمینه موردبررسی دچار مشکل می‌سازد لذا با توجه به اهمیت توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با نیازهای بازار کار و پیشرفت

علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و شکاف تحقیقاتی عنوان شده، تحقیق حاضر باهدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه‌ای آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ظرفیت‌های صنایع شهر بندرعباس انجام پذیرفت.

روش تحقیق

روش پژوهش کیفی از نوع اکتشافی بود. با عنایت به محدودیت‌های مرتبط با پژوهش‌های گذشته همچون تعداد و موضوع در این زمینه سعی شد یک قالب مشخص برای کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها در نظر گرفته شود. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. مصاحبه با برخی سؤالات توصیفی همچون سن، سابقه فعالیت و همچنین شناخت دقیق از سمت یا جایگاه مصاحبه‌شوندگان آغاز و در ادامه سؤالات اصلی پژوهش پرسیده شد و در پایان نیز با یک سؤال باز خاتمه می‌یافت. مدت‌زمان مصاحبه بین ۶۰ الی ۹۰ دقیقه بود. جهت ثبت اطلاعات، علاوه بر نکته برداری، از دستگاه ویژه ضبط صدا نیز استفاده گردید. تعداد ۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان به شکل هدفمند و با توجه به شناخت تیم تحقیق و مطالعه و بررسی مقالات و پژوهش‌های علمی به شیوه گلوله برفی و با معرفی گروه اول انتخاب شدند. مصاحبه‌شوندگان شامل ۶ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه در رشته مدیریت آموزشی، ۱۴ نفر نیز خبرگان و متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت فنی حرفه‌ای (روسا، متخصصان، مدرسان و پژوهشگران) و صنایع بودند. پس از انجام ۲۰ مصاحبه، کدها به حد اشباع نظری رسیدند. در جریان تحقیق سعی شده با ایجاد تنوع در نمونه‌ها و دقت در روند پژوهش و انتخاب مشارکت‌کنندگان روایی پژوهش از نظر «مقبولیت» «انتقال‌پذیری» و «تأیید پذیری» رعایت شود. همچنین از پایایی باز آزمون استفاده شد بدین شکل که ۳ مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب و هر مصاحبه توسط یک نفر متخصص مدیریت آموزشی آشنا به حیطه صنعت و بازار کار کُدگذاری مجدد شدند. کدهایی که بین دو کدگذار باهم مشابه بودند به‌عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه به‌عنوان «عدم توافق» مشخص شدند و پایایی معادل ۸۲ درصد گزارش گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها و بلافاصله پس از هر مصاحبه و در قالب کدگذاری انجام شد. در این پژوهش پژوهشگر سعی نموده است بر اساس نظرات صاحب‌نظران از پدیده مورد مطالعه ابعاد و مؤلفه‌های توسعه‌ای آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ظرفیت‌های صنایع شهر بندرعباس را استخراج کند و در بخش بحث و نتیجه‌گیری به بررسی گسترده‌تر هر یک از مقوله‌ها بپردازد.

یافته‌ها

به منظور آشنایی بیشتر با ماهیت متغیرهای پژوهش و تشخیص الگوهای حاکم بر داده‌ها، ابتدا به بررسی نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی می‌پردازیم که خلاصه نتایج در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. مشخصات جمعیت دموگرافیک

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۶	۸۰
	زن	۴	۲۰
وضعیت تأهل	مجرد	۲	۱۰
	متأهل	۱۸	۹۰
سن	کمتر از ۳۰ سال	۱	۵
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۴	۲۰
	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	۹	۴۵
	بیشتر از ۵۰ سال	۶	۳۰
سطح تحصیلات	کارشناسی ارشد	۸	۴۰
	دکتری	۱۲	۶۰
سابقه کار	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۳	۱۵
	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۱۱	۵۵
	بیشتر از ۲۱ سال	۶	۳۰

پس از تبدیل هر یک از مصاحبه‌های صوتی به شکل متنی جملاتی که قابلیت تبدیل به یک کد یا مفهوم را داشتند کدگذاری شدند. هر کد در مورد یک مفهوم مطلبی را بیان می‌کند که در جدول ۲ کدهای اولیه و مؤلفه‌ها و ابعاد دیدگاه خبرگان و متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت فنی حرفه‌ای (روسا، متخصصان، مدرسان و پژوهشگران) و صنایع به نمایش درآمده است.

جدول ۲. مفاهیم (کدهای شناسایی شده از مصاحبه با صاحب نظران)

کد مصاحبه	مفاهیم (کدهای شناسایی شده)
۱م	ضوابط پذیرش، توانایی اولیه و علمی، مطلوبیت برنامه های آموزشی، توانمندی مربیان و آموزش دهندگان، توجه به نیازهای بازار کار در سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزش های فنی و حرفه ای، هم راستایی آموزش ها با وضعیت اشتغال، محیط فناوری و محیط بین المللی
۲م	جمع آوری اطلاعات از بازار هدف، بخش بندی بازار هدف و تعیین نیازهای بازار، هدف گذاری، نیازسنجی مشتری، ترغیب کردن مشتری به اخذ خدمات، برنامه ریزی جهت حفظ کردن مشتری، برنامه ریزی جهت ایجاد انگیزه در پرسنل
۳م	کنترل و بازرسی اسناد و مدارک ذینفعان، ارزیابی عملکرد صنایع در استان؛ ارزیابی جامع صنایع از منظر نیاز کمی و کیفی به سرمایه انسانی، سطح آگاهی و مهارت کارکنان بالأخص کارکنان حوزه های عملیاتی؛ تأسیس دفتر مطالعات مشاغل و شاغلین استان به هدف دسترسی بروز نیاز صنایع استان
۴م	در نظر گرفتن برنامه توسعه کارخانه های صنعتی؛ توجه به تکنولوژی های نوین و موقعیت اقتصادی؛ تجهیزات؛ تعامل بین دنیای کار و صنعت؛ توجه به آینده پژوهی شغلی مبنای سیاست گذاری حوزه آموزش فنی و حرفه ای؛ توجه به شایستگی های رفتاری و فنی مورد نظر کارفرمایان
۵م	ضوابط پذیرش؛ توانایی اولیه و علمی؛ برنامه توسعه و ارتقاء دائمی مهارت شاغلین فنی حرفه ای متناسب با نیاز و تغییرات صنایع؛ تدوین برنامه های آموزشی دقیق تر و به روزتری برای تحقق نیازهای آموزشی صنایع؛ توانمندی مربیان و آموزش دهندگان؛
۶م	سطح بلوغ سازمان به لحاظ توسعه مدیران و سرپرستان و آموزش های مرتبط با این سطوح؛ امکان سنجی برآورده کردن نیاز به نیروی انسانی ماهر با در نظر گرفتن دانشگاه ها؛ ارزیابی و تصمیم گیری در خصوص روند همکاری با سایر صنایع؛ ارزیابی و تصمیم گیری در خصوص بازار؛ ارزیابی عملکرد شبکه فروش
۷م	برنامه ریزی جهت جذب بازار؛ برنامه ریزی جهت آموزش پرسنل؛ برنامه ریزی جهت گسترش دادن شبکه فروش؛ جمع آوری اطلاعات؛ بررسی اطلاعات جمعیت شناختی و سوابق کاری و بیمه ای

تجهیزات، ارتباط و نظارت دوطرفه بین هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و صنایع فعال توسعه مهارت‌های پایه، توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش، کیفیت اشخاص، تقویت بنیه علمی، کیفیت بالای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های دانش‌آموختگان، نوآوری و مدرنیزه شدن، تشدید رقابت در بازار هم‌راستایی آموزش‌ها با برنامه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی	۸ م
دسته‌بندی و مستندسازی اطلاعات؛ مشخص کردن نوع مذاکره؛ مشخص کردن فن‌های مذاکره؛ مشخص کردن اعضای تیم مذاکره‌کننده؛ نهایی کردن مذاکرات و انجام صورت‌جلسه؛ برنامه‌ریزی برای همکاری کردن با سایر ذینفعان؛	۹ م
کنترل امورات فنی؛ کنترل امورات مالی؛ کنترل و بازرسی از دفاتر شبکه‌ی فروش؛ ارزیابی عملکرد هر کدام از صنایع؛ ارزیابی عملکرد قراردادهای منعقدشده؛ تخصص‌های موردنیاز هر صنعت؛ مدنظر قرار دادن نیازهای آموزشی شناسایی شده برای صنایع	۱۰ م
بررسی میزان مهارت و تنوع موردنیاز صنایع؛ مطلوبیت برنامه‌های آموزشی؛ بررسی ظرفیت استان از منظر دموگرافیک؛ فرهنگ و علایق و... بررسی میزان موجود زیر ساختارها و نقطه مطلوب	۱۱ م
تدوین برنامه جذب، توسعه و تزریق سرمایه انسانی به صنایع؛ ارتباط و نظارت دوطرفه بین هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و صنایع فعال؛	۱۲ م
برنامه‌ریزی جهت آموزش شبکه فروش؛ توافق کردن با مشتری؛ ارزیابی جامع صنایع از منظر نیاز کمی و کیفی به سرمایه انسانی، سطح آگاهی و مهارت کارکنان بالأخص کارکنان حوزه‌های عملیاتی	۱۳ م
توجه به شایستگی‌های رفتاری و فنی موردنظر کارفرمایان، هم‌راستایی آموزش‌ها با نیازهای سنی	۱۴ م
کیفیت اشخاص، تقویت بنیه علمی، کیفیت بالای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های دانش‌آموختگان، نوآوری و مدرنیزه شدن	۱۵ م
تجهیزات؛ تعامل بین دنیای کار و صنعت؛ توجه به آینده‌پژوهی شغلی مبنای سیاست‌گذاری حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای؛ کیفیت بالای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های دانش‌آموختگان، نوآوری و مدرنیزه شدن	۱۶ م

<p>هدف گذاری، نیازسنجی مشتری، ترغیب کردن مشتری به اخذ خدمات، ارزیابی و تصمیم گیری در خصوص بازار؛ ارزیابی عملکرد شبکه فروش؛ برنامه ریزی جت حفظ کردن مشتری</p>	م ۱۷
<p>کنترل و بازرسی از دفاتر شبکه‌ی فروش؛ ارزیابی عملکرد هر کدام از صنایع؛ ارزیابی عملکرد قراردادهای منعقد شده؛ تخصص‌های مورد نیاز هر صنعت؛ توجه به آینده پژوهی شغلی مبنای سیاست گذاری حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای؛</p>	م ۱۸
<p>ارزیابی جامع صنایع از منظر نیاز کمی و کیفی به سرمایه انسانی، سطح آگاهی و مهارت کارکنان بالأخص کارکنان حوزه‌های عملیاتی؛ توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش، کیفیت اشخاص، تقویت بنیه علمی، کیفیت بالای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های دانش‌آموختگان، نوآوری و مدرنیته شدن</p>	م ۱۹
<p>نظارت دوطرفه بین هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و صنایع فعال، خوب بودن برنامه‌های آموزشی، توانمندی آموزش دهندگان، هم‌راستایی آموزش‌ها با محیط کلان سیاست گذاری، محیط سیاسی، محیط فناوری و محیط بین‌المللی</p>	م ۲۰

از تکنیک تحلیل مضمون بر اساس مدل براون و کلارک (۲۰۰۶) شامل پنج مرحله "آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازیابی مضامین و تعریف و نام گذاری مضامین" استفاده شده است. بدین منظور از مصاحبه با خبرگان استفاده شد. در گام نخست، از متن مصاحبه‌های مشارکت کنندگان در مصاحبه باز، تعداد ۵۳ شاخص استخراج شد؛ که در پیوست متن مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود. با استناد به نتایج کدبندی محوری و روابط بین کدهای اولیه شناسایی شده تعداد ۱۸ مؤلفه بانام‌های (۱) جمع‌آوری اطلاعات ۲. برنامه‌ریزی پرسنل ۳. ارزیابی ۴. دسته‌بندی اطلاعات ۵. تجربه ۶. توسعه و زیرساخت ۷. مطلوبیت و توانمندی آموزشی ۸. کنترل ۹. ترغیب و توافق ۱۰. برنامه‌ریزی جذب و گسترش ۱۱. برنامه‌ریزی توسعه ۱۲. شایستگی ۱۳. ظرفیت ۱۴. قوانین ۱۵. توانایی ۱۶. نیازهای آموزشی ۱۷. تخصص ۱۸. مذاکره) استخراج شدند؛ که این مؤلفه‌ها در ۹ بعد بررسی بازار هدف؛ نحوه جذب مشتری؛ تعیین هدف و برنامه‌ریزی؛ ارزیابی و کنترل؛ توجه به تجربه و تخصص؛ آموزش؛ ظرفیت و توسعه و زیرساخت؛ قوانین و برنامه‌ریزی؛ نیروی انسانی متخصص دسته‌بندی شدند.

جدول ۳. مفاهیم (کدهای) و مؤلفه‌های شناسایی شده از مصاحبه با صاحب‌نظران

مقوله محوری	(مقوله‌های فرعی)	کدهای باز
بررسی بازار هدف	جمع‌آوری اطلاعات	جمع‌آوری اطلاعات از بازار هدف جمع‌آوری اطلاعات
	دسته‌بندی اطلاعات	بررسی اطلاعات جمعیت شناختی و سوابق کاری و بیمه‌ای دسته‌بندی و مستندسازی اطلاعات بخش‌بندی بازار هدف و تعیین نیازهای بازار هدف‌گذاری
نحوه جذب مشتری	مذاکره	مشخص کردن نوع مذاکره مشخص کردن فن‌های مذاکره مشخص کردن اعضای تیم مذاکره‌کننده نهایی کردن مذاکرات و انجام صورت‌جلسه
	ترغیب و توافق	نیازسنجی مشتری ترغیب کردن مشتری به اخذ خدمات توافق کردن با مشتری
تعیین هدف و برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی پرسنل	برنامه‌ریزی جهت آموزش شبکه فروش برنامه‌ریزی جهت ایجاد انگیزه در پرسنل برنامه‌ریزی جهت آموزش پرسنل
	برنامه‌ریزی جذب و گسترش	برنامه‌ریزی جهت جذب بازار برنامه‌ریزی جهت گسترش دادن شبکه فروش برنامه‌ریزی جهت حفظ کردن مشتری برنامه‌ریزی برای همکاری کردن با سایر ذینفعان
	ارزیابی و کنترل	ارزیابی عملکرد صنایع در استان ارزیابی عملکرد هر کدام از صنایع ارزیابی و تصمیم‌گیری در خصوص روند همکاری با سایر صنایع ارزیابی و تصمیم‌گیری در خصوص بازار ارزیابی عملکرد شبکه فروش
	ارزیابی	

ارزیابی عملکرد قراردادهای منعقدشده		
ارزیابی جامع صنایع از منظر نیاز کمی و کیفی به سرمایه انسانی		
کنترل امور فنی	کنترل امور مالی	کنترل
کنترل و بازرسی از دفاتر شبکه‌ی فروش		
کنترل و بازرسی اسناد و مدارک ذینفعان		
تخصص‌های موردنیاز هر صنعت		
بررسی میزان مهارت و تنوع موردنیاز صنایع		تخصص
امکان‌سنجی برآورده کردن نیاز به نیروی انسانی ماهر با در نظر گرفتن دانشگاه‌ها		توجه به تجربه و تخصص
سطح آگاهی و مهارت کارکنان بالأخص کارکنان حوزه‌های عملیاتی		تجربه
سطح بلوغ سازمان به لحاظ توسعه مدیران و سرپرستان و آموزش‌های مرتبط با این سطوح		
تأسیس دفتر مطالعات مشاغل و شاغلین استان به هدف دسترسی بروز نیاز صنایع استان		نیازهای آموزشی
مدنظر قرار دادن نیازهای آموزشی شناسایی شده برای صنایع		آموزش
مطلوبیت و توانمندی آموزشی		
مطلوبیت برنامه‌های آموزشی، توانمندی مربیان و آموزش‌دهندگان،		
بررسی ظرفیت استان از منظر دموگرافیک؛ فرهنگ و علایق و ...		ظرفیت
تجهیزات		ظرفیت و توسعه و زیرساخت
بررسی میزان موجود زیر ساختارها و نقطه مطلوب		توسعه و زیرساخت
در نظر گرفتن برنامه توسعه کارخانه‌های صنعتی		
توجه به تکنولوژی‌های نوین و موقعیت اقتصادی		
تدوین برنامه جذب، توسعه و تزریق سرمایه انسانی به صنایع		قوانین

تدوین برنامه‌های آموزشی دقیق‌تر و به‌روزتری برای تحقق نیازهای آموزشی صنایع		
برنامه توسعه و ارتقاء دائمی مهارت شاغلین فنی حرفه‌ای متناسب با نیاز و تغییرات صنایع	برنامه‌ریزی توسعه	قوانین و برنامه‌ریزی
ارتباط و نظارت دوطرفه بین هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و صنایع فعال، تعامل بین دنیای کار و صنعت		
توجه به آینده‌پژوهی شغلی مبنای سیاست‌گذاری حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای		
ضوابط پذیرش، توانایی اولیه و علمی،	توانایی	قوانین و برنامه‌ریزی
توجه به شایستگی‌های رفتاری و فنی موردنظر کارفرمایان	شایستگی	
مهارت‌های دانش‌آموختگان		
کیفیت اشخاص		



شکل ۱. ابعاد و مؤلفه های توسعه ای آموزش فنی و حرفه ای

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر باهدف شناسایی ابعاد و مؤلفه های توسعه ای آموزش فنی و حرفه ای متناسب با ظرفیت های صنایع خاص صنایع شهر بندرعباس انجام پذیرفت. نتایج این تحقیق نشان داد مدل پژوهش دارای ۹ بعد و ۱۸ مؤلفه و ۵۳ شاخص است. نتایج با برخی از تحقیقات پیشین از جمله بهارتل^۱ (۲۰۲۱)، بالاسوریا و کولاتونگا^۲ (۲۰۲۰) اویاوه و همکاران^۳ (۲۰۲۰) جوهانگا و همکاران^۴

1-BhurteI

2- Balasooriya & Kulathunga

3- Oviawe et.al.

4- Jahonga et.al.

(۲۰۱۹) و مطالعات داخلی عطارنیا و همکاران (۲۰۲۱) انصاری و قاسم‌زاده (۲۰۲۰) سیف الهی و بیگی (۲۰۲۰) عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت: نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای هر کشور، مهارتی‌ترین و زیربنایی‌ترین سنجش برای اقتصاد آن کشور محسوب می‌شود. تربیت نیروی انسانی ماهر، متخصص و استفاده از خدمات آن‌ها در زمره مشغولیت‌های مهم هر سیستم آموزشی است. بدیهی است هنگامی که کسب مهارت و ایجاد تخصص‌های مختلف با نیازهای جامعه هماهنگ باشد استفاده صحیح از منابع، ایجاد و انگیزه در اقشار مختلف جامعه، شکوفایی صنعت و افزایش ثروت و رفاه ملی را به همراه داشته و کشور را به سمت توسعه روزافزون و پایدار سوق می‌دهد. همانطور که در نتایج اشاره شد، در سراسر نظام‌های مهارت محور دنیا آغازگاه آموزش و طراحی برنامه‌های درسی مهارتی بر اساس استانداردهای شغل و شایستگی است که ره‌آورد آن رشد و تعالی انسان‌های مسلح به مهارت‌های موردنیاز برای یک جامعه بالنده است. همچنین آموزش‌های مهارتی به علت انعطاف بالا و امکان پاسخگویی به نیازهای روز و هماهنگ شدن با آموزش‌های آینده وقتی که در قالب استانداردها در آینده این ظرفیت دوجندان می‌شود. لذا آموزش دقیق تدوین این استانداردها یکی از الزامات مهم در پاسخگویی به نیاز جامعه به آموزش مهارتی است. لذا پیشنهاد می‌شود ارتباط مستمر در بین صنوف و آموزش مهارتی در راستای ایجاد همگرایی شناسایی مشاغل جدید با همکاری ذینفعان برقرار شود. انطباق بین آموزش‌های ارائه‌شده با نیازهای بازار کار شناسایی شود. آموزش‌های موردنیاز بازار کار توسط مسئولان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای ارائه‌شده و دوره‌های آموزشی عمومی و تخصصی برگزار شود. صنایع پشتیبان در سطح استان در حوزه صنایع مختلف ایجاد، راه‌اندازی و حمایت شود. عدالت استخدامی با برقراری آزمون‌های استخدامی در صنایع متناسب با سرفصل‌های فنی و حرفه‌ای توسعه یابد و درنهایت بین سازمان آموزش و پرورش با سازمان صنایع، معدن و تجارت و صنایع فعال جهت ایجاد ارتباطی مؤثر بین این دو بخش انعقاد شود. همچنین این تحقیق نیز همانند سایر تحقیقات دارای محدودیت‌هایی از قبیل محدود بودن تحقیق به صنایع شهر بندرعباس، مشکلات در جلب رضایت افراد جهت مصاحبه بوده است لذا برای محققین آتی پیشنهاد می‌شود جامعه آماری را وسیع‌تر انتخاب نمود و به بررسی وضعیت توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای متناسب با ظرفیت‌های صنایع سایر شهرها پرداخته شود و از شیوه‌های مختلف برای بررسی بیشتر موضوع استفاده شود و درنهایت مدل‌های

ارتباطی مؤثر بین سازمان آموزش و پرورش با سازمان صنایع، معدن و تجارت و صنایع فعال مورد تحقیق قرار گیرد.

منابع

- Abbas Zadeh, S., Shahi, S., & Mehralizadeh, Y. (2017). Compatibility of technical and vocational high school education with the educational needs of small industries in Ahvaz city. **Biannual Journal of Educational Planning Studies**, 7(14), 48-70.
- Ahmadi, H., & Ateshak, M. (2013). Needs assessment of technical and vocational education related to biotechnology in Iran's Technical and Vocational Education Organization. **Educational planning studies**, 1(1): 35-51.
- Aiti, M., & Fathi, M. (2013). Examining the relationship between the curriculum (general skills) of technical and vocational education with the needs of the labor market of Birjand city. **Skill Education**, 2(8), 93-110.
- Aminbidokht, A. A., Najafi, M., & Shariati, F. (2018). Identifying and Exploring the Factors Affecting the Quality of Technical and Vocational Education: A Mixed-Method Study. **Journal of Teaching Research**, 6(3), 23-38.
- Anderson, A. (2018). A View on the most Change in Vocational and Technical Education in England for a Generation Higher Education Skills and Work- Based. **Learning**, 8(2), 113-116.
- Ansari, A., & Ghasemzadeh, A. (2020). The Paradigm Model of the Relationship between the Labor Market and Technical and Vocational Education from the Perspective of Managers of Technical and Vocational Training Centers, Managers and Industrialists in West Azerbaijan Province. **Skill Training**, (33), 7-24.
- Attarnia, A., Abbasi, H., & Alimohammadi, R. (2021). Evaluation of the educational needs of the labor market in relation to graduates of the fields operating in technical and vocational education in Qom province. **Human Capital Empowerment**, (12), 43-54.
- Bagheri Khalili, Z., & Mirkamali, S. M. (2005). Evaluating the job competence of graduates of technical and vocational fields employed at Iran Khodro Company from the perspective of production unit managers. **Journal of Educational Innovation**, 4(13), 85-110.
- Balasooriya, B.M.C.N., & Kulathunga, I.D.J. (2020). A Study to Identify Ways of Enhancing Industry Partnership towards Technical Education - The Sri Lankan Context. **Scholarly Technical Education Publication Series (STEPS)**, 4, 32-54.
- Bhurtel, A. (2021). Technical and Vocational Education and Training in Workforce Development. **Journal of Training and Development**, 1(1), 77-84.
- Forster, A.G., & Bol, T. (2018). Vocational education and employment over the life course using a new measure of occupational specificity. **Social Science Research**, 70, 176-197.
- Haji Aliakbari, F. (2020). Designing a model for the development of technical and vocational education and training in line with the needs of the labor market and regional capacities: A case study, **the insurance industry**. **Skill Training Quarterly**, 8, 81-102.
- Jahonga, W. M., Canute, B., & Murey, E. J. (2016). Collaborative and Linkage Programs Between TVET Institutions and the Industry. A Case of TVET

- Institutions in North Rift Region, Kenya. **IOSR-Journal of Economics and Finance**, 7(4), 1-5.
- Khaje Shokoochi, A., Abbasi, M., & Khoshfar, G. (2012). Examining the effectiveness of technical and vocational training in employing the trained personnel in Golestan province. **Skill Training Quarterly**, 1(1), 103-116.
- Khaledi, M., & Refaati, M. (2019). Comparing the effectiveness of formal and informal technical and vocational training on employment. **Skill Training Quarterly**, 1(1), 71-86.
- Maghsudi, F. (2014). The role of technical and vocational education in the country's economy and business development. **Monthly Social, Economic, Scientific and Cultural Magazine of Work and Society**, 2(173), 40-47.
- Oviawe, J. I., Uwameiye, R., & Uddin, P.S. (2020). Bridging Skill Gap to Meet Technical, Vocational Education and Training School-Workplace Collaboration in the 21 st Century. **Education**, 9(2), 38-52.
- Rabiee, A., & Khademi Varnamkhasti, N. (2014). Obstacles and solutions for the development of entrepreneurship in the country's Technical and Vocational Training Organization (A case study of the General Department of Technical and Vocational Training of Tehran Province). **Skill Training Quarterly**, 7, 25-51.
- Rahimi, Z., Amirian Zadeh, M., & Ahmadi, E. (2020). Evaluating the strategic management model in technical and vocational training. **A New Approach in Educational Management**, (46), 47-70.
- Salehi Omran, E., & Ghasemzadeh, A. (2019). Examining the general skills related to the quality of technical and vocational training from the perspective of stakeholders. **Quarterly Journal of Innovation and Value Creation**, 4(2), 23-42.
- Salimi, J. (2014). Technical and vocational training, human resources and entrepreneurship (A case study of technical and vocational training in Kurdistan province). **Skill Training Quarterly**, 8, 7-24.
- Seifollahi, N., & Beigi, A. (2020). Development of technical and vocational training in line with the needs of the labor market and regional capacities (Case study: Developing related standards for beekeeping, silkworm, and beneficial insects professions according to the modified DICUM guidelines). **Skill Training Quarterly**, (31), 43-66.
- Veselá, D., & Klimová, K. (2014). Knowledge-based economy vs. creative economy. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, 141, 413-417.

Identifying the developmental dimensions and components of technical and vocational education in line with the capacities of industries

Quarterly Journal of Educational Leadership
& Administration
Islamic Azad University Garmsar Branch
Vol.18, No 2, Summer 2024, No.68

Identifying the developmental dimensions and components of technical and vocational education in line with the capacities of industries
Zohre Pakdel, Kulthum Nami, Mahmood Sabahizadeh

Abstract:

Purpose: The present study aimed to identify the dimensions and developmental components of technical and vocational education tailored to the capacities of industries in Bandar Abbas.

Method: This qualitative study utilized thematic analysis to propose a model. The population included 6 members of university faculty in educational management, and 14 experts and stakeholders in technical vocational management (including leaders, specialists, educators, and researchers) and industries. After conducting 20 interviews, theoretical saturation of codes was achieved. Data collection tools included semi-structured interviews with experts, utilizing an extraction pattern based on two indices: appropriateness and practicality, which are qualitative validity assessment methods, along with feedback on research empirical bases.

Results: The results indicated that the proposed model comprised 9 comprehensive themes (market analysis; customer attraction; goal setting and planning; evaluation and control; attention to experience and expertise; training; capacity and infrastructure development; regulations and planning; specialized human resources) and 18 organizational themes (data collection; personnel planning; evaluation; information categorization; experience; development and infrastructure; desirability and educational capability; control; encouragement and agreement; recruitment and expansion planning; development planning; competence; capacity; regulations; capability; training needs; expertise; negotiation), based on a foundation of 56 core themes.

Conclusion: Technical and professional education is developed in an effective way when it utilizes the capacities of urban industries.

Keywords: Education, technical and professional, labor market, capacities of industries.